



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بازاندیشی در ضوابط و الگوهای توسعه روستاهای متصل به شهر؛

رهیافت‌های مبتنی بر کدهای زایشی در سطح کلان

(مطالعه موردی: روستاهای پرجیکلا و بالا لموک، شهر قائمشهر)

هادی پندار *

1396/07/26

تاریخ دریافت مقاله:

1396/10/24

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

سکونتگاه‌های اندام واره در روستاها و شهرهای شمال ایران، معرف الگوهای برخاسته از تأثیر اقلیم و فرهنگ کار و سکونت در نحوه شکل‌گیری محیط‌های مصنوع هستند اما طی سال‌های اخیر بسیاری از روستاهای با ریخت‌شناسی اندام واره، به واسطه اعمال ضوابط ساخت و ساز شبه شهری در قالب طرح‌های هادی روستایی در حال از دست دادن هویت ویژه خود هستند، زیرا انتقال کیفیت‌های ریخت‌شناختی به دلیل ماهیت تدریجی تثبیت و احرازشان، به‌خوبی صورت نمی‌گیرد. چگونگی فرایند تداوم الگوهای ریخت‌شناسی هویت‌مند در چنین بافت‌هایی پرسش اصلی پژوهش حاضر است. بستر پژوهش میدانی روستاهای "بالا لموک" و "پرجیکلا" در شهر قائمشهر است که از جهت شمال به یکدیگر متصل شده‌اند اما به مرور زمان در حال تبدیل شدن به بافت‌های شبه شهری‌اند. چارچوب نظری پژوهش از کاربری نظریه کریستوفر الکساندر به منظور شکل‌گیری تدریجی کلیت براساس مفهوم کدهای زایشی حاصل شده است. بخش اول پژوهش به روش تحلیلی - انتقادی به بررسی نتایج حاصل از ضوابط موجود پرداخته و در بخش دوم براساس فرایند مبتنی بر کدهای زایشی نتایج متصور در سطح محدوده مطالعه پیاده شده است. روش انجام پژوهش همانندسازی بوده که با جمع‌آوری اطلاعات به روش‌های اسنادی، تحلیل ریخت‌شناسی و مشاهده نظام‌مند از وضعیت موجود همراه شده است. براساس نتایج پژوهش فرایند توسعه روستایی در حوزه‌های مورد بحث پژوهش را می‌توان طی فرایندی تدریجی و هفت مرحله‌ای مبتنی بر کدهای زایشی و با مشارکت ساکنین صورت‌بندی نمود. نتایج حاصل از این فرایند تدریجی موجب تداوم بافت‌های اندام واره که واجد کیفیت‌های هویت‌مند و زمینه‌گرا بوده و در عین حال پاسخگو به نیازهای موجود هستند، خواهد بود. شناسایی هویت‌های اصیل و حوزه‌های نیازمند حفاظت همیشگی، تبیین کدهای زایشی براساس نیازها و فرصت‌های زمینه‌ای موجود، جانمایی تدریجی و هم‌افزا و طراحی مشارکتی از گام‌های اصلی فرایند پیشنهادی پژوهش حاضر به‌شمار می‌آیند.

کلمات کلیدی: هویت ریخت‌شناختی، کدهای زایشی، رشد تدریجی، توسعه‌های لبه‌ای، روستای پرجیکلا و بالا لموک.

مقدمه

روند روزافزون رشد جمعیت در زنجیره شهرهای شمالی کشور نیاز به سکونتگاه‌های جدید یا توسعه سکونتگاه‌های موجود را بیش از پیش آشکار می‌سازد. گسترش لجام ساخت و سازهای حومه‌ای نیز شتاب بیشتری به این توسعه‌ها بخشیده است. پراکنش ساخت و سازهای شهری¹ و بی توجهی به ارزش‌های محیط اکولوژیک از ویژگی‌های مشترک توسعه‌های مذکور بوده است. در این بین بسیاری از روستاهای مجاور شهرها که در جریان توسعه‌های بیرونی در فاصله نسبتاً کمی، بعضاً چسبیده به آن‌ها بوده‌اند، به شدت تغییر یافته و در مدت زمان کوتاهی هویتی را که ریشه در الگوهای کهن بومی داشته از دست داده‌اند. در این راستا کریستوفر الکساندر² استفاده از الگوهای محله‌ای را برای خلق یک واحد فضایی قابل تشخیص و واجد کلیت³ ضروری می‌داند. "مردم دوست دارند ناحیه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را به‌عنوان بخشی از شهرشان تشخیص دهند و حسی از مالکیت جمعی⁴ و غرور⁵ بیابند" (Alexander, 2004). فراهم کردن پایه معرفتی مورد نیاز برای فهم طریق خاصی از ساختاربخشی به محیط، همراه با ارتباط دو سویه بین فرم محیط انسان ساخت و زمینه محیطی هدف اصلی مقاله حاضر است. روش انجام پژوهش همانندسازی است که با گردآوری اطلاعات از مطالعات اسنادی و مشاهده نظام‌مند همراه شده است. کاربریست چارچوب نظری در روستاهای "بالا لموک" و "پرجیکلا" در شمال شهر قائمشهر صورت گرفت. در بخش نخست ضمن معرفی پدیده و چالش‌های مرتبط با آن با نگاهی انتقادی روش برخورد با مسئله در بافت‌های مورد مطالعه تبیین و سپس چارچوب نظری پژوهش معرفی شده است. کاربریست

فرایند شکل‌گیری تدریجی محله برخاسته از چارچوب پژوهش در نمونه‌های موردی، محتوای بخش قبل از نتیجه‌گیری را شکل داده‌اند.

معرفی پدیده (محرک‌های محتوایی و رویه‌ای)

الگوهای برنامه‌ریزی حوزه‌های مسکونی در لبه بیرونی شهرهای شمال، انعطاف‌پذیری و انطباق لازم با الگوهای مبتنی بر احترام به ارزش‌های اکولوژیکی و زمین را نداشته‌اند. از یک سو الگوهای تکامل تدریجی و شکل‌گیری توسعه‌های برون‌زا بدون توجه به الگوهای حاکم بر تفکر عمومی قابل شناسایی نیست (Hall, 1996). حال آنکه در ارزیابی توسعه‌های برون‌زا لازم است خصوصیات آن‌ها با توجه به تمامی تأثیرات طبیعی و فرهنگی مد نظر قرار گیرد.

چالش‌های نظری: زمینه‌های نیازمند توجه در دستیابی به پایداری محیط مصنوع را می‌توان در ابعاد رویه‌ای⁶ و ماهوی⁷ خلاصه نمود (Lang, 1994). از این رو توجه طرح‌های توسعه به محتوا و نحوه دستیابی به الگوهای متناسب به ظرفیت‌های محیطی و ساکنان آن‌ها ضروری می‌باشد. بررسی‌های صورت گرفته در این زمینه نشان داده که برنامه چنین توسعه‌هایی به واسطه ضوابط شهری مشابه با سایر بخش‌های شهر صورت می‌گیرد. لذا به دلیل الزام و ماهیت تدریجی تثبیت و احراز کیفیت‌های ماهوی مکان، به‌ویژه کیفیت‌های زمینه‌ای⁸ و ریخت‌شناختی⁹ در شکوفایی هویت‌های محلی چندان کارا به نظر نمی‌رسند (تصویر شماره 1).

چالش اسنادی؛ طرح هادی روستایی: در این بخش طرح‌های هادی روستاهای مورد نظر مطالعه و نتایج حاصل از آن مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی نتایج طرح‌های هادی روستایی مستلزم بررسی چارچوب نظری و رویه حاکم بر تهیه طرح و ضوابط

چارچوب نظری

در چارچوب نظری نخست مفهوم کد زایشی¹⁰ و نحوه تکامل آن در نظریات الکساندر معرفی شده است. مفاهیم نظری و رویه‌ای نحوه ساخت محلات با کدهای زایشی نیز به منظور کاربری در حوزه مورد مطالعه تدوین شده است. در نهایت چارچوب عمل جهت استفاده در بستر پژوهش ارائه شده است.

تکوین مفهوم کدهای زایشی

از نظر الکساندر کدها و استانداردهایی که به واسطه طرح‌های توسعه نیمه دوم قرن بیستم عمل می‌کنند به ساختارهایی زندگی بخش دست نمی‌یابند (الکساندر، 1373). وی معتقد است: "بیشتر الگوها و فرایندهای طبیعی و انسانی، ساختار قوی سلسله مراتبی دارند، به طوری که می‌توان از راه حل مسائل موجود در مقیاس بزرگ برای مسائل مشابه در مقیاس‌های کوچک بهره برد و بالعکس" (Alexander, 2004).

بعد عاطفی یا احساساتی که بر ادراک محیط مؤثرند و بعد تفسیری یا تداعی حاصل از تماس با تغییرات محیط برای یافتن معنی و مقایسه به حافظه و تجربیات قبلی متکی است. نتایج حاصل به صورت ارزش‌ها و سلیق بوده و خوب و بد را تعیین و ثبت می‌کنند (Carmona et al, 2003). با این توضیح ادراک نتایج حاصل از ضوابط نیز اغلب منجر به حس سرزندگی نشده و موجب تشخیص تفاوت‌های مکانی نیز نمی‌شوند. در پاسخ با چنین چالش‌هایی، کدهای زایشی سیستمی از مراحل صریح و ساده به منظور خلق یک بافت منسجم است. برخلاف فرایندهای معمول طراحی که محصول نهایی را تعریف نموده و سپس آن را رها کرده و برای اجرا به دست سازندگان می‌سپارند (تفکیک نظام طراحی و ساخت)، اما فرایندهای ابداع شده به واسطه کدهای زایشی با اطمینان از این که در هر

حاصل از آن، مانند ضوابط مربوط به احداث بنا، است که منجر به از بین رفتن هویت‌های مکانی و زمینه‌ای به‌ویژه در ابعاد کالبدی و اجتماعی شده است. نکات حاصل از بررسی‌ها از دو جنبه محتوایی و روش‌شناسی را می‌توان در جدول شماره 1 خلاصه نمود.



ت 1. عدم پیوند و تداوم الگوی منتظم شهرک‌های مسکونی با الگوی تکامل و توسعه اندام‌واره، شهرک یشرب قائمشهر.

چالش	موضوع	توضیحات
چالش‌های محتوایی	نگاه دو بعدی به محیط روستا	یکی از کاستی‌های مهم لزوم پرداختن به شکل سه بعدی روستا و ملاحظات آن در بخش سنجش و نهایتاً پیشنهادها است.
	بسی توجهی به نظام فعالیت‌ها و قرارگاه‌های رفتاری مرتبط با آنها	در مرحله شناسایی وضع موجود، صرفاً محدود به بررسی و پیشنهاد در مورد کاربری زمین بوده و "نظام کارکرد و فعالیت" مغفول مانده است. منظور از بررسی فعالیت، تعیین تنوع و اقسام هریک از کاربری‌ها و فعالیت‌ها به گونه‌ای است که متضمن تحقق‌پذیری اقتصادی - اجتماعی طرح‌ها شود.
چالش‌های روش شناختی	مغفول ماندن نگاه ساکنین و ادراک آن‌ها از محیط	یکی از مهمترین موضوعات مرتبط با مجموعه‌ها و بافت‌های روستایی، تصویر ذهنی ساکنان و خاطرات جمعی آنان می‌باشد که در قالب سازمان فضایی - ادراکی قابل ارائه است.
	پیشنهاد براساس انتخاب از گزینه‌ها	ارائه گزینه‌های برنامه‌ای و طراحی شهری و معرفی مکانیسم‌های ارزیابی آن‌ها و دستیابی به راه حل بهینه در پیشنهادها به چشم نمی‌خورد.
	بسی توجه به دیدگاه ساکنین و لزوم مشارکت‌پذیری	موضوع مشارکت در تهیه طرح‌های هادی به‌عنوان مهمترین موضوع مرتبط با تحقق‌پذیری آن، به‌ویژه در فرایند چشم‌اندازسازی برای روستا و اطراف آن، حلقه مفقوده شرح خدمات تهیه طرح‌های هادی روستایی می‌باشد.
	عدم جامعیت در تبیین و تحدید محدوده‌های مطالعاتی	توجه به دو محدوده مطالعه و مداخله با دلایلی که منتج از مطالعات و بررسی‌های تفصیلی باشد نیازمند مطالعه در لایه‌های مختلف تشکیل دهنده فرم محیط (حرکت و دسترسی، نظم کالبدی، عملکرد در فعالیت و ...) است.

ج 1. نتایج حاصل از بررسی طرح‌های هادی روستاهای مورد نظر مطالعه از دو جنبه محتوایی و روش‌شناسی.

زمان و هر مکانی که بکار رود، محصول منحصر بفردی تولید می‌کند، از آغاز تا پایان راه تداوم دارد (الکساندر، 1381). این کدها اگرچه در ساختار ساده هستند اما در آثار و نتایج حاصله بسیار پیچیده می‌باشند. می‌توان گفت کدهای زایشی در یک مثال و مقایسه بیولوژیکی، سیستمی را بوجود می‌آورند که یک گیاه از یک دانه رشد کند (Alexander, 2004).

الکساندر معتقد است وقتی کدهای زایشی در فرایند توسعه بکار گرفته شوند، هویت‌های ویژه‌ای در بافت فضایی-اجتماعی¹¹ به وجود می‌آید. یک کد زایشی سیستمی از مراحل رشد ناخودآگاه است که مردم یک اجتماع را قادر به خلق محله‌ای زنده می‌سازد. الکساندر مهمترین نتایج بکارگیری کدهای زایشی در جریان توسعه یک محله را چنین بر می‌شمارد: (Ibid)

- یک فرم هندسی زیباتر و جامع‌تر که طبیعی است.
- احتمال موفقیت بیشتر در پیوستگی و انطباق با طبیعت،
- انطباق بیشتر با فرایند زندگی روزانه ساکنین و تناسب بهتر با نیازهای محلی منحصر بفرد،
- با این کدها احتمال بیشتری دارد که جوامع عمیق¹²

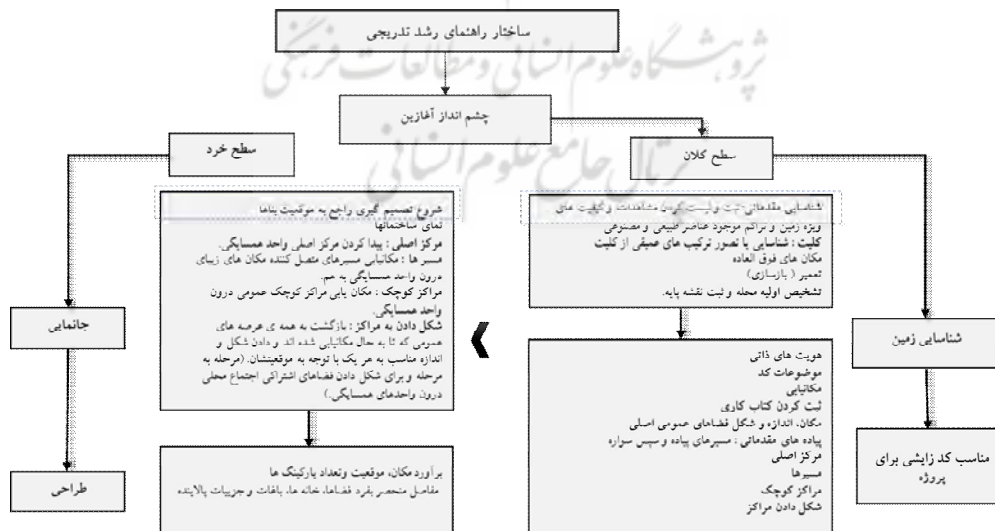
با درجه بالاتری از خاص بودن در مکان‌های جدید ظاهر شوند.

چگونگی ساخت محلات با کدهای زایشی

فرایند مطرح شده در این بخش امکان به کارگیری رویکرد زایشی را برای گونه‌های مختلف توسعه با گستره‌ای از جزییات در هر مرحله فراهم می‌کند. این فرایند باید دقیق و عملی اجرا شود تا همه ابعاد یک محله سر زنده و جزییاتی در هر یک از سطوح مانند پارکینگ‌ها را هم در بر گیرند و هم به تدریج به آن‌ها دست یابند. آن‌ها شامل فازهای فکر، بحث اجتماعی، کدهای زایشی، برنامه‌ریزی و طراحی است که در قالب راهنمای طراحی توصیف می‌شوند (<http://www.patternlanguage.com>).

تیین چارچوب عمل

تکون راهنمای مربوط به این حوزه‌ها به دو مرحله کلی شامل شناسایی و جانمایی قابل تقسیم است. مجموعه اقدامات هر مرحله نیز به‌طور متوالی در دو سطح ساختار کلی و ساختار خرد صورت می‌گیرد که شامل مراحل و موضوعات مندرج در نمودار شماره 1 است.



ن 1. ساختار پیشنهادی راهنمای رشد تدریجی مبتنی بر کدهای زایشی. منبع: نگارنده اقتباس از الکساندر.

روش انجام پژوهش

بخش اول پژوهش به روش تحلیلی - انتقادی به بررسی نتایج حاصل از ضوابط موجود پرداخته و در بخش دوم براساس فرایند مبتنی بر کدهای زایشی نتایج متصور در سطح محدوده مطالعه پیاده شده است. روش انجام پژوهش همانندسازی بوده است. بنیاد این پژوهش بر این است که یک واقعیت را می‌توان با بازسازی آن در محیطی جایگزین بازشناسی کرد. این دوباره‌سازی در متن واقعیتی در آینده قابل فهم است (گروت، 1384). گردآوری اطلاعات و دستیابی به شاخص‌های مناسب جهت همانندسازی از مطالعات اسنادی، پژوهش‌های میدانی و مشاهدات نظام‌مند، به‌عنوان یکی از روش‌های مؤثر و کارآمد در تحقیقات موردی حاصل شده است. اطلاعات مناسبی را از این طریق می‌توان بدست آورد زیرا این روش به محقق اجازه می‌دهد مستقیماً پدیده مورد مطالعه را ببیند و واقعیت را به‌صورت مستقیم و بدون واسطه درک کند (حافظ نیا، 1389). در هر یک از مراحل شش‌گانه بکارگیری کدهای زایشی در سطح کلان ابتدا مفهوم کد زایشی تشریح، سپس نحوه بکارگیری آن‌ها در نمونه‌های موردی تبیین می‌شود.

کاربست فرایند طرح جامع زایشی¹³

آنچه در قالب پیشنهاد ارائه شده، مناسب‌سازی مفاهیم مطرح در زمینه کدهای زایشی در قالب چک لیست عمل است که با توجه به شرایط محدوده مورد نظر پژوهش و به‌صورت الگوی مصداقی تدوین شده است. از آنجا که روستاهای فوق در فاصله نزدیکی به هم و به کمربندی شهر قرار گرفته و فاصله بین آن‌ها به سرعت در حال پر شدن است. لذا در طرح پیشنهادی این مطالعه به‌عنوان یک کل یکپارچه در آینده در نظر گرفته شده‌اند.

به‌منظور مناسب‌سازی کدهای زایشی با فرایند توسعه سکونتگاه‌های لبه شهرها در این پژوهش مراحل سه‌گانه چشم‌انداز اولیه، کدهای زایشی در ابعاد کلان و ابعاد خرد (واحد همسایگی) در نظر گرفته شده است (پندار، 1386). با توجه به دامنه پژوهش حاضر در سطح کلان، دو مرحله نخست در قالب کاربست فرایند و مورد پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته است.

مورد پژوهی

بستر مطالعه متشکل از دو روستای مرتبط با لبه شمالی شهر قائمشهر است که طی سال‌های اخیر به یکدیگر متصل شده‌اند. از این رو به‌دلیل پیوستگی کالبدی و اجتماعی - فضایی، دو روستا به‌عنوان محدوده‌ای یکپارچه برای توسعه مبتنی بر کدهای زایشی انتخاب شده است.

معرفی بستر مطالعه

روستاهای "بالا لموک" و "پرچیکلا" به‌عنوان حوزه مورد نظر پژوهش در لبه کمربندی شمالی شهر قائمشهر حد فاصل محدوده شهر، در شمال کمربندی و در مسیر رودخانه "سیاهرود" قرار گرفته است (تصویر شماره 2).



ت 2. موقعیت روستاهای مورد مطالعه، بالا لموک و پرچیکلا.

فرایند 6 گانه رشد تدریجی محله در سطح کلان: این فرایند مشتمل بر تهیه نقشه پایه، شناسایی زمین، شناسایی انواع کل‌های رشد یافته در مقیاس بزرگ‌تر، تعیین میزان تراکم و سطح اشغال زمین، تعیین حرکت مقیاس پیاده و توسعه بلوک‌بندی در قالب واحدهای همسایگی است (پندار، 1386).

تهیه نقشه پایه

حضور در مکان و ارزیابی ارزش‌های محلی به منظور تبیین چشم‌انداز در هر یک از ابعاد کلان و خرد الزامی است (پندار، 1395). پس از حضور باید تصور کرد که این مکان می‌خواهد تبدیل به چه جایی شود؟ با ورود و مشارکت افرادی که در مکان زندگی می‌کنند و به‌عنوان منبع اطلاعات¹⁴ به حساب می‌آیند می‌توان هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک‌تر شد (Cowan, 2006). نقشه مذکور در چندین لایه شامل همه ترکیبات موجود (مانند مسیرها و خیابان‌ها، فضاهای عمومی، واحدهای همسایگی و عرصه‌های عمومی درون آن‌ها، قطعات و ساختمان‌ها) و شناخت‌هایی است که از جریان ساخت و ساز و تصمیمات درونی در هر لحظه از زمان به روز می‌شود.

ظهور تدریجی اجتماع محلی: به‌منظور رسیدن به پویایی طبیعی در کانون فرایند، ثبت مسیر رشد و توسعه‌های کالبدی در هر زمان، به‌عنوان یک عنصر کلیدی محسوب می‌شود.

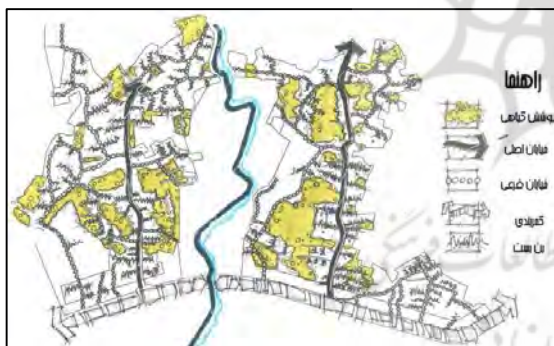
ارتباط بافت با حوزه‌های سکونتی پیرامون و شبکه‌های موجود

محدوده مورد مطالعه از جنوب به کمربندی شرقی - غربی و بافت شهری و از جهت غرب و شرق نیز با زمین‌های کشاورزی و سکونتگاه‌های پراکنده حومه شهری محصور شده است. در شمال محدوده نیز

روستاهای زنجیره‌ای در امتداد رودخانه قرار گرفته‌اند (تصویر شماره 3). پوشش گیاهی (به‌صورت باغ، زمین‌های کشاورزی، حیاط‌ها و معابر سبز)، معابر اصلی محلی و کمربندی و کوچه‌های مقصدی و بن بست ساختار اصلی شبکه‌های موجود در محدوده را شکل داده‌اند (تصویر شماره 4).

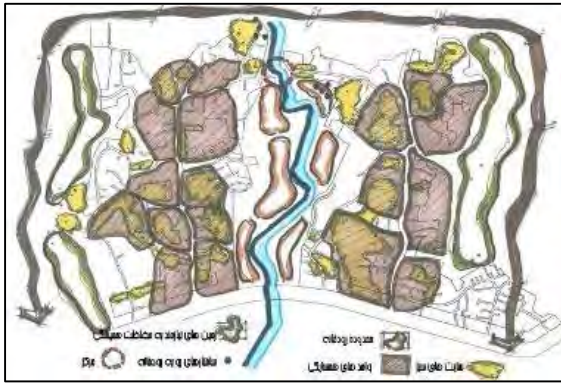


ت 3. ارتباط با بافت پیرامون. منبع: نگارنده.



ت 4. شبکه دسترسی و زیرساخت‌های طبیعی موجود. منبع: نگارنده.

قوانین و الزامات نهادهای رسمی و منطقه‌ای: ضوابط بالادست در محدوده مطالعه به‌صورت مکانی و یا ارجاعی به مکان در نقشه پایه منعکس شده است (تصویر شماره 5).



ت 6. زمین‌های نیازمند به حفاظت همیشگی، مرکز، سایت‌های سبز و ساختارهای حفاظتی در بافت. منبع: نگارنده.



ت 5. پیاده‌سازی ضوابط بالا دست در محدوده مطالعه. منبع: نگارنده.



ت 7. شناسایی انواع کل‌های رشد بزرگ‌تر. منبع: نگارنده.

فرم‌یابی فضایی برای ساخت میدان‌های عمومی منحصر به فرد در مراکز واحدهای همسایگی: به این منظور فضاهایی که توسط ساختمان‌های عمومی و مهم و در مرکز ثقل فضایی هر یک از واحدهای همسایگی محله بوده‌اند تعیین و پس از بررسی‌های میدانی تدقیق شدند. نکته مورد توجه در تعیین نقاط آن است که ساختمان‌هایی که پیرامون این فضا رشد می‌کنند، بایستی به شکل‌گیری آن در طول زمان کمک کنند تا در نهایت توأمان ساختمان‌ها و فضا یک ترکیب منحصر به فرد خلق کنند. ترکیبی از کارگاه‌ها، خرده فروشی‌ها به منظور تأمین

شناسایی زمین

به‌منظور شناسایی تدریجی مراکز طبیعی در زمین، شناخت زمین‌های نیازمند به حفاظت همیشگی ضروری است (اسپیرن، 1384). مراکز و چگونگی ارتقاء و محافظت از آن‌ها تعریف و سایت‌های سبز در کل محدوده مطالعه مشخص می‌شوند. در ادامه نوعی از ساختارهای حفاظتی¹⁵ در بافت همراه با مدل‌سازی به‌عنوان یک ابزار ضروری برای تغییرات احتمالی در خلق احجام ساختمانی تعیین می‌شود که نیازمند بررسی است. ساختار حفاظتی در محدوده مورد مطالعه می‌تواند مبتنی بر موارد زیر باشد:

- حفاظت از بلوک‌ها و قطعات رو به رودخانه
- ساختار حفاظتی توسعه مبتنی بر واحدهای همسایگی
- حفاظت از ستون فقرات و ارتباط آن با رودخانه و عمق بافت (تصویر شماره 6).

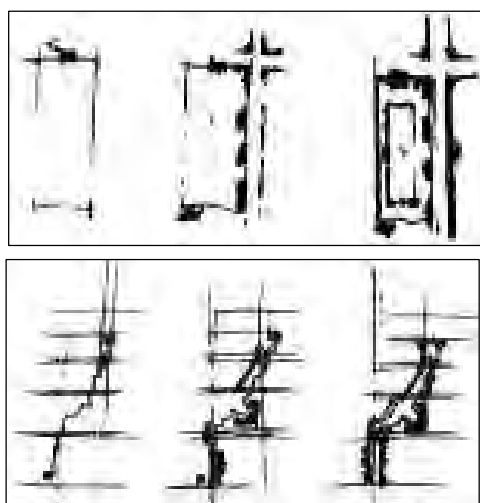
شناسایی انواع کل‌های رشد بزرگ‌تر

الگوی فضای کلی مراکز: محدوده‌هایی که با رنگ آبی مشخص شده‌اند، اشاره به سکونتگاه‌های در حال ظهور دارند. حوزه‌هایی که با رنگ آبی کم‌رنگ مشخص شده، دلالت بر محدوده‌هایی دارد که ممکن است نقطه شروع شکل‌گیری شبکه‌ای مرتبط از مراکز کوچک توزیع شده در سطح کل محله باشد (تصویر شماره 7).

خدمات زیر محله‌ای و یا محله‌ای و سایر بناهای عمومی در این مراکز مورد نیاز خواهند بود (تصویر شماره 8).

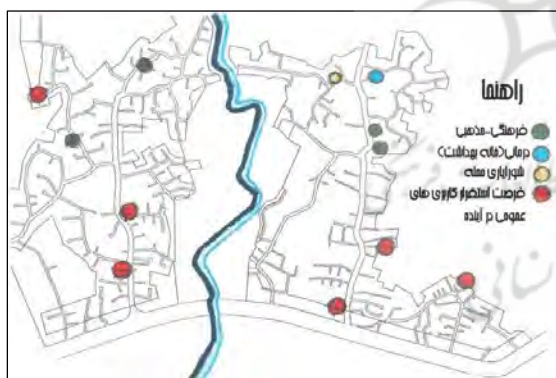


ت 8. فضایی مناسب و جامع برای ساخت میدان‌های عمومی. منبع: نگارنده.



ت 9. الگوهایی برای رشد در آینده. تصویر بالا: فضای متقارن با محور معین. تصویر پایین: یک طرف ساخته شده. منبع: www.livingneighbourhood.com.

جانمایی متوازن و درست حوزه‌های نقطه‌ای مربوط به مهمترین ساختمان‌های محله مانند مسجد، مدرسه، و مانند آن می‌تواند توسعه یکپارچه و همپيوند را در کل محله تضمین نماید (تصویر شماره 10).



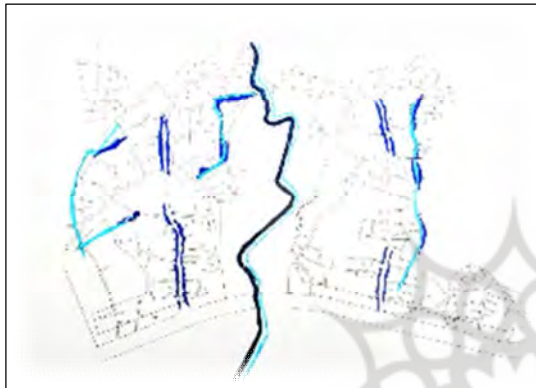
ت 10. مهمترین ساختمان‌های محله. منبع: نگارنده.

تعریف معیار برای بروز هویت‌های زمینه‌ای¹⁶:
شکل‌گیری تدریجی حوزه‌های واجد هویت‌های زمینه‌ای، نیازمند به کارگیری راهنمای طراحی است. بر این اساس راهنمای طراحی این حوزه‌ها عبارتند از:

تعیین الگوهایی برای جوانه‌های رشد ممکن: نمونه‌های بسیاری از ساختارهای ساده و اولیه وجود دارد که منجر به یک شاخه جوان به صورت چند جانبه می‌شود. این الگوها هرگز به صورت قطعی و نهایی توسعه در یک مکان را تعیین نمی‌کنند. چه بسا که ممکن است این جوانه‌های رشد نتوانند امتداد یابند یا اینکه در ادامه به الگوی دیگری تبدیل شوند. مانند فضای متقارن با محور معین و فضایی با یک ردیف از ساختمان‌ها در یک طرف آن (تصویر شماره 9).

هر کدام از این گونه‌ها باید انگیزه‌هایی ایجاد کنند تا مالکین فرایند توسعه مفیدی را برای زندگی، کار و کمک به بهبود فضاهای عمومی براساس زندگی و به منظور حفظ رابطه‌ای پویا با جهتی که محله در امتداد آن رشد می‌کند، آغاز کنند.

تحریک و تقویت زمینه‌های رشد انواع الگوهای بزرگ‌تر: باید محوری طبیعی در امتداد محله ایجاد نمود که طولانی و باریک باشند، به همراه یک محور ستون فقرات متقارن در امتداد محله و پیرامونش.



ت 11. تعیین حوزه‌های با هویت‌های ویژه. بالا: حوزه‌های آبی کم رنگ و مناطق طلایی. پایین: حوزه‌های آبی پررنگ؛ جانمایی فضاهای اصلی محله. منبع: نگارنده.

شکل فضا، سمت و سوی آن نسبت به مناظر گسترده و امتداد آن نسبت به محورهای اصلی محله خود یک موضوع حیاتی است.

اگر یکی از بناهای اصلی حوزه طلایی، بخشی از یک لفاف حجمی¹⁷ این فضا باشد، آنگاه تنظیم موقعیت سایر بناهای این فضا و جهت‌گیری آن‌ها به سمت این ساختمان اصلی از اهمیت اساسی برخوردار است.

ساختمان‌هایی که یک فضا را شکل می‌دهند و آنرا احاطه کرده‌اند در اغلب موارد موقعیتی دارند که توسط عابرین آن فضا لمس می‌شود، لذا باید حداقل در طبقات پایین دیوارهای آن با جزئیات نما و مصالح مناسب این مقیاس پوشانده شود.

حوزه‌های آبی کم رنگ: تراکم در جایی اتفاق می‌افتد که چیزی مهم وجود داشته باشد تا جمعیت طبیعی آن جامعه را به سوی خود سوق دهد. خطوط تراکمی بهتر است طوری توزیع شوند که تشکیل یک آرایه به هم پیوسته از مراکز را بدهد به طوری که پتانسیل تشکیل قلب محله را داشته باشند.

نقاط طلایی: هر یک از ساختمان‌ها یا نقاط طلایی در منطقه با توجه به نواحی تعریف شده توسط مناطق آبی کم رنگ جانمایی می‌شوند. این موقعیت‌ها ممکن است در میان یک منحنی طویل و متمایل به بیرون قرار داشته باشد یا بر روی یک محور ناحیه آبی کم‌رنگ طولانی باشد. لذا از نظر موقعیتی قلب فضا در آنجا خواهند بود (این قوانین کلی‌اند. در برخی موارد جایگیری‌های اتفاقی مهم مثل آبنا‌های طبیعی، کریدورهای بصری به عناصر اکولوژیک مانند جنگل و کوه‌های دوردست موقعیت‌های ثابتی را دیکته می‌کنند که به نواحی آبی رنگ شخصیت‌های اصلی و فرعی منحصر به فردی می‌بخشد) (تصویر شماره 11- بالا).

نقاط طلایی ساختمان‌هایی را ایجاد خواهند کرد که خاصیت زیبایی و منحصر به فرد بودن به واسطه ارتفاع، تقارن، رنگ، جنس مواد و تزئینات معماری به آن‌ها اهمیت و برجستگی ویژه‌ای می‌بخشد نه صرفاً ابعاد یا شکل فیزیکی‌شان.

حوزه‌های با رنگ آبی تیره: موضوع این حوزه‌ها، فضا، زیبایی و ارتباط است. زیبایی فضا به خصوص فضای محله‌ای بستگی به شخصیت و مثبت بودن آن فضا دارد. توده‌های ساختمانی را باید تا حد ممکن به صورت هدفمند جهت شکل‌گیری فضای مثبت و با نشانه‌گذاری جانمایی نمود به طوری که نمایان شدن فضاها و کلیت‌های بزرگ‌تر ممکن شود (تصویر شماره 11- پایین).

علاوه بر آن بیشتر ساختمان‌های تعریف شده در حوزه‌های آبی شامل محیط‌های کاری، تجاری، اداری و فروشگاه (در تراز همکف) خواهند بود. بنابراین دادن یک نمای خوب و دلپذیر به ساختمان از اهمیت بالایی برخوردار است. معیارهای فوق را باید در تمامی قطعات و زیرمجموعه‌های آن که مجوز ساخت در حوزه‌های آبی کم رنگ می‌گیرند نیز بکار گرفت.

میزان تراکم و سطح اشغال زمین (اندازه قطعه)

درجه‌بندی تراکم: یک حس طبیعی وجود دارد که می‌گوید تراکم بیشتر بایستی در اطراف نواحی مرکزی انباشته شود و از پیرامون پراکنده گردد.

تعیین فضاهای تجاری، خرده فروشی محلی و مکان‌های ویژه کار و زندگی: تمام بناهای غیر مسکونی

باید در ارتباط با قطعات مسکونی، تنظیم و هماهنگ شوند به طوری که با ارجاع دادن محاسبات تراکم به قطعات مسکونی، تراکم سراسری مربوط به آن‌ها در کل محله تعیین شود. بنابراین محیط با کاربری مختلط براساس نیازمندی و تمایل مالکین شکل می‌گیرد که این محیط شامل فضاهای مسکونی و مراکز تجاری کوچک توأم با کاربری مسکونی (در صورت تمایل) خواهد بود.

اگر فردی بخواهد از حد مجاز تعیین شده فضای تجاری بیشتری داشته باشد، باید فضایی بیشتر از آن مقدار اضافه را به فضای مثبت در عرصه عمومی مجاور خود یا در محیط پیرامون اختصاص دهد. جانمایی مناسب برای مکان‌های کار و زندگی نیز در حد فاصل فقرات محله و لبه‌های بیرونی مناسب است (تصویر شماره 12).



ت 12. جانمایی مناسب برای مکان‌های کار و زندگی. منبع: نگارنده.

تعیین حقوق حرکت مقیاس پیاده

پیاده راه‌های واجد حقوق عمومی: مفهوم "معبّر واجد حقوق عمومی" با تغییر تدریجی در اذهان مردم کم و بیش مفهوم "جاده صرفاً محل عبور" پیدا کرده است. کنارگذرهای پیاده‌رو ممکن است در تعامل مفهوم فوق با جاده یا خیابان اشتباه گرفته شوند. هدف نهایی

آن ایجاد دسترسی و فراهم کردن آرامش خاطر برای مردم و ساختن دنیایی است که در آن مردم آزادند تا به راحتی به تفریح و قدم زدن بپردازند. این جنبه اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، به ویژه در سال‌های اخیر و سلطه راه‌های ماشین‌رو. هم حرکت پیاده و هم سواره نیاز به توجه ویژه‌ای در جریان ترافیک روزمره دارند.

واقعی محقق می‌شود، همیشه متفاوت از آن چیزی خواهد بود که در اسکیس طرح اولیه بوده است چرا که حضور عناصر طبیعی مانند صخره‌ها، درختان، شیب‌ها و غیره، بر آن اثر خواهند گذاشت (تصویر شماره 13).



ت 13. انتخاب محدوده‌های زرد رنگ به منظور تشخیص محورهایی که ممکن است دارای اولویت پیاده باشند. منبع: نگارنده.

توسعه جزء به جزء و تدریجی معبر پیاده (تکمیل جزییات مسیر): هر سال باید در جهت افزایش محدوده تعریف شده برای پیاده اقدامات خاصی صورت گیرد. تصمیم‌گیری قطعی در مورد تعیین راه رد می‌شود. از آنجا که وقتی این تصمیمات سریعاً انجام شود، اغلب منجر به شکل‌دهی به پیاده‌روها به صورت ردیفی و مشابه پیاده‌روهای استاندارد شهری است. حقوق جدید پیاده‌رو را باید گام به گام، جزء به جزء، سالانه و بر طبق سلیقه توسعه‌دهندگان یا مالکین جدید املاک در نواحی جدید محله و همچنین بر طبق افزایش تجربه‌های جدید و بررسی‌های انجام شده بر روی منطقه، تعیین نمود.

مراحل نیازمندی طی شدن برای جانمایی یک مسیر پیاده ویژه: رشد فضاهای پیاده‌روی جدید با در نظر گرفتن ملاحظات مربوط به وضعیت توپوگرافی موجود و توجه به محتوای زیر خواهد بود:

- خلق یک مرکز اصلی

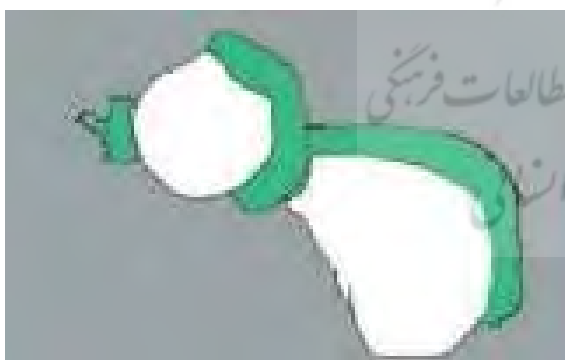
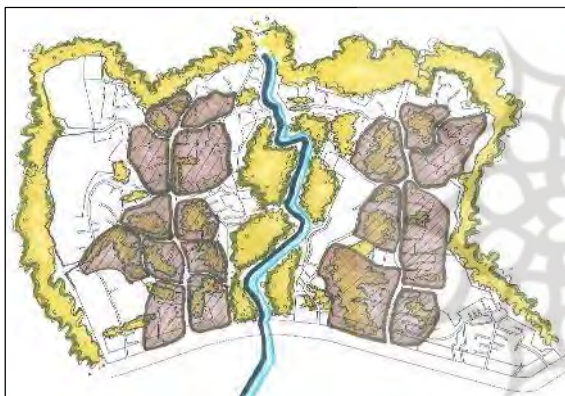
در واقع آرامش پیاده‌ها و استفاده آنان از پیاده‌رو برای گروه‌های سنی پایین‌تر و یا افراد مسن‌تر مهم‌تر است. به منظور حفظ تعادل در جامعه محلی تمامی حقوق راه در درجه اول برای پیاده‌رو و در درجه دوم برای سواره‌رو در نظر گرفته می‌شود. به طوری که استفاده سواره و نیازهای کاربردی ویژه ماشین‌ها پس از در نظر گرفتن پیاده در اولویت دوم در نظر گرفته شود.

توسعه سیستم پیاده‌رو: اولین قاعده رشد محله این است که فضای پیاده‌رو باید از جبهه زمین طبیعی رشد کند و باید به دقت شکل داده شود به طوری که مفید و زیبا باشد و طوری ساخته شود که زیبایی زمین طبیعی را به ذهن متبادر نماید. محله بایستی در درجه اول و قبل از شروع شکل‌گیری واحدهای همسایگی رشد کرده و با اضافه کردن فضای جدید پیاده‌رو بهینه‌سازی شود. این بدین معنی است که پیاده‌رو باید شامل اولویت مفهومی (احساس آرامش و دلپذیری) و کاربردی نسبت به خیابان‌های ماشین‌رو باشد. با این حال جانمایی و مفهوم تمام حقوق راه را باید قبل از هر ملاحظه دیگری درک کرد. به خصوص در مکان‌هایی که مکان‌های ارزشمندی به حساب می‌آیند و از سیما و منظر مطلوبی برخوردارند.

پیوستگی به زیباترین مراکز طبیعی تعیین شده در شناسایی‌های اولیه: نوار مرکزی این مکان‌های زیبا و مراکز طبیعی زمین به عنوان استخوان‌بندی عمومی واحد همسایگی، که مجموعه‌ای از ارزشمندترین مکان‌ها است، حفظ خواهد شد که اغلب دارای قابلیت پیاده رهواری می‌باشند. این مکان‌ها محل برخوردی‌های عمومی و عرصه عمومی واحد همسایگی در یک سطح و محله در سطح بالاتر خواهند شد. مکان‌هایی که دسترسی به آن‌ها برای همه امکان‌پذیر است. نقشه شبکه پیاده ترکیب کلی را نشان می‌دهد که ممکن است راهنمای جزییات طرح باشد و وقتی بر روی زمین

همسایگی محدوده‌ای پیوسته است که از محدودیت‌هایی از نظر وسعت و جمعیت نیز برخوردار است. واحد همسایگی ممکن از 2 تا 20 خانه را در بر گیرد. مساحت یک واحد همسایگی ممکن است از 0.1 هکتار تا 3 هکتار متغیر باشد (تصویر شماره 14- بالا).

محاسبه نواحی کمر بند سبز و حدود واحد همسایگی: هنگامی که یک واحد همسایگی جدید به مساحت X (هکتار) تعریف می‌شود، لازم است تا محدوده‌ای الحاقی به مساحت X سوم در مجاورت آن به صورت لایه‌ای طبیعی و محافظت شده ایجاد شود و به ساخت و ساز اختصاص نیابد (تصویر شماره 14- پایین).



ت 14. واحدهای همسایگی و حرایم سبز آنها. تصویر بالا: جانمایی واحدهای همسایگی پیشنهادی در مقیاس محله. تصویر پایین: کمر بند سبز و حدود واحد همسایگی. منبع: نگارنده.

- ایجاد شبکه‌ای از مسیرها
- شناسایی نواحی شیب‌دار
- شناسایی سطوح پله‌دار
- ارتباط با مناظر طبیعی
- ارتباط با باغچه‌ها و تراس‌های گل و گیاه
- بهره‌گیری از دیوارهای سنتی

- ارتباط با لکه‌های آب و فضای سبز، آبراهه‌ها و پل‌ها
تکامل به سمت کلی منسجم برای شبکه پیاده: اگر چه رشد شبکه پیاده به صورت تدریجی در طول زمان رخ خواهد داد، اما وجود انسجام کلی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شناخت هر مسیر در گام نخست با ادراک و مشاهده مکان‌های زیبای موجود در آن ممکن خواهد شد (الکساندر، 1382). بسط و گسترش مراکز پیاده و شبکه‌ای که آن‌ها را شکل می‌دهند از طریق ملاحظاتی که خالق سامانه‌ای منسجم و مرتبط باشند، هدایت خواهد شد. این سامانه شبکه‌ای از حرکت پیاده به صورت مراکز طبیعی معین که اصالتاً در ذات فرم زمین قرار داشته و اکنون نیز در حال پدیدار شدن هستند را مهیا می‌سازد. به عبارت روشن‌تر حرکت مردم از مکانی به مکان دیگر، خطوط معینی را در محله آشکار خواهند کرد. فرایند طراحی به منظور پیوند سرزنده‌ترین مکان‌ها تلاش خواهد نمود تا خطوط حرکتی خاصی که به طور طبیعی این مکان‌ها را به هم مرتبط می‌سازد را شناسایی و ثبت کند.

توسعه بلوک‌بندی در قالب واحدهای همسایگی

در این مرحله از فرایند گام‌هایی که به سمت تکامل تدریجی و برنامه‌ریزی ساختار واحدهای همسایگی صورت می‌گیرد، تعریف شده و حد مجاز توسعه در آن‌ها تعیین می‌شود.

خلق واحدهای همسایگی جدید: توسعه محله تنها در قالب واحدهای همسایگی پیشرفت خواهد نمود. واحد

هدایت توسعه‌های با مقیاس کوچک در قالب محله که نیاز به مداخلات گسترده ریخت‌شناختی در جهت انطباق با شرایط ساختاری محیط ندارند را می‌توان با مفاهیم کلیت رشد‌یابنده الکساندر و راهکارهای ویژه تشکل تدریجی یک محله شهری از دیدگاه وی همراه نمود. از این رو ارزیابی نتایج رویکرد رشد تدریجی صرف نظر از موارد قابل‌تعمیم، بایستی متناسب با زمینه کاربردی شده و راهکارهای ویژه خود را در انطباق با هویت مکانی¹⁸ تدبیر نماید. براساس نتایج پژوهش فرایند توسعه روستایی در حوزه مورد بحث پژوهش طی فرایندی تدریجی و هفت مرحله‌ای مبتنی بر کدهای زایشی صورت گرفت. شناسایی هویت‌های اصیل و حوزه‌های نیازمند حفاظت همیشگی، تبیین کدهای زایشی براساس نیازها و فرصت‌های زمینه‌ای موجود، جانمایی تدریجی و هم‌افزا و طراحی مشارکتی از گام‌های اصلی فرایند پیشنهادی پژوهش حاضر به‌شمار می‌آیند. به کارگیری فرایند مورد استفاده در مقاله حاضر مستلزم حضور ساکنین در فرایند تهیه و اجرای طرح است که با ایجاد ساختار تشکیلاتی، ابزار مناسب جهت مشارکت مستمر کلیه افراد و نهادهای مرتبط فراهم می‌شود. به این منظور مراحل نیازمند مشارکت شهروندان نیز تبیین شد.

به‌منظور بسط نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌توان گفت به‌منظور تهیه طرح جامع در مقیاس کلان تصویر دقیق‌تری از چشم انداز آتی کل محله به‌ویژه از نحوه استقرار و حرکت پیاده و سواره در درون و پیرامون مورد نیاز است. علاوه بر آن لازم است ابعاد ویژه هویتی که برخی از روستاهای ارزشمند را از نظر اهمیت متمایز می‌کند، موضوع تهیه کدهای زایشی قرار گیرد.

در انتها می‌توان گفت به‌دلیل ماهیت کیفی طراحی کدهای زایشی در محیط‌های مختلف، به کارگیری اصول مورد استفاده از فرایند مبتنی بر چارچوب مفهومی پژوهش حاضر در شرایط مشابه می‌تواند زمینه تداوم کیفیت‌های ریخت‌شناسی در توسعه‌های آتی را فراهم نماید. اما سرآغاز هر طرح و اقدامی در این زمینه، ایجاد معرفت برای فهم شیوه خاصی از ساختار بخشی و چگونگی تعامل ماهیت کالبدی با دیگر جنبه‌های محیط طبیعی با تأکید بر فرایند‌های تدریجی می‌باشد.

پی‌نوشت

1. Urban Sprawl
2. Christopher Alexander
3. Wholeness
4. collective ownership
5. pride
6. Procedural
7. Substance
8. contextual
9. morphological
10. Generative code
11. Social-Spatial
12. genuine community
13. Generative Master Plan
14. Local knowledge
15. Conservative structures
16. Contextual
17. Envelope
18. Local identity

فهرست منابع

- الکساندر، کریستوفر و همکاران. (1373)، "تئوری جدید طراحی شهری" واحد ترجمه مشاور طرح و آمایش و شارمند.
- الکساندر، کریستوفر. (1381)، "معماری و راز جاودانگی - راه بی‌زمان ساختن" ترجمه: قیومی بیدهندی، مهرداد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- اسپیرن، آن ویستون. (1384)، "زبان منظر"، ترجمه بحرینی، سیدحسین - امین‌زاده، بهناز، انتشارات دانشگاه تهران.

- بل، سایمون. (1382)، "منظر، الگو، ادراک، فرایند"، ترجمه امین زاده، بهناز، انتشارات دانشگاه تهران.
- پندار، هادی. (8673)، "راهنمای طراحی شهری شکل‌گیری محلات زنده براساس کدهای زایشی"، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد طراحی شهری، استاد راهنما: ذکاوت، کامران. دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- پندار، هادی. (1395)، "روش ظرفیت‌سنجی: ارزیابی مهارت‌های طراحی شهری"، جستارهای شهری.
- حافظ نیا، محمدرضا. (1389)، "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی" تهران: انتشارات سمت.
- گروت، لیندا. وانگ دیوید. (1384)، "روش‌های تحقیق در معماری" ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.
- طرح هادی روستای بالا لموک. (1382)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، استان مازندران.
- طرح هادی روستای پرچیکلا. (1391)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، استان مازندران.
- Alexander, C. (2004). Sustainability and morphogenesis; the birth of living world, Schumacher lecture, Bristol.
- Carmona, Matthew, Heath Tim, Oc Taner and Tiesdell Stwen, (2003). "Public Places – Urban Spaces, the Dimensions of Urban Design", Architectural Press,
- Cowan, Robert, (2005). The dictionary of urbanism.
- Hall, A.C. (1996), Design Control: Towards a new approach, Butterworth-Heinemann Ltd, London
- Lang, J. (1994), Urban Design: The American Experience, Van Nostrand Reinhold, New York
- Living Neighborhoods
(<http://www.patternlanguage.com>)
- لازم است از زحمات خانم سیده سحر سیدپور و آقای علیرضا مشکی در جمع‌آوری اطلاعات میدانی و تصاویر مقاله قدردانی شود. علاوه بر آن نویسنده از آقای دکتر محسن سرتیپی‌پور هم جهت راهنمایی‌های ارزنده‌شان در این مسیر تشکر می‌نماید.
- <https://doi.org/10.22034/37.162.103>